

از سوی دیگر، از دیدگاه اندیشه اسلامی، صلح پایدار تنها بر محوریت قسط و عدالت اجتماعی استوار می‌گردد و ظلم و نابرابری، مهم‌ترین عامل تهدیدکننده صلح محسوب می‌شود؛ از همین روست که اسلام برای رسیدن به صلح عادلانه، مبارزه با ظلم را تجویز می‌کند. از دیدگاه اسلام، روابط اجتماعی صلح‌محور است (قرآن کریم، نساء: ۱۲۸). صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، محور شریعت اسلامی است؛ زیرا در پرتو آن می‌توان دعوت دینی را محقق ساخت و به آن منظور، از جدالِ سالم و حکمت و برهان بهره گرفت. اما دعوت به صلح صادقانه، همان دعوت به عدالت است و صلح جز در پرتو عدالت، استقرار نمی‌یابد؛ چه آنکه لازمه تثبیت صلح، ظلم‌ستیزی و ظلم‌زدایی از مناسبات جهانی است.

انگاره صلح در اندیشه اسلامی در اینجا از مفهوم هنجارین صلح در دانش متعارف روابط بین‌الملل، آن‌گونه که در محافل دانشگاهی طرح می‌شود، فاصله می‌گیرد. نظریه‌های جریان اصلی روابط بین‌الملل که بعد از جنگ دوم جهانی در محافل دانشگاهی تدریس می‌شوند، صلح را حفظ وضع موجود و تضمین پایداری آن قلمداد می‌کنند. این درحالی است که در چشم‌انداز اسلام سیاسی، که در تدوین مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز به کار گرفته شده است، صلح فقط به معنای نبود جنگ نیست، بلکه به معنای از بین بردن زمینه‌ها و ریشه‌های ایجاد جنگ و جنگ‌افروزی، به خصوص در سطح تحلیل «نظام جهانی» و در لایه متغیرهای سیستمی است.

بدیهی است که در این نظرگاه، جنگ افروزی مذموم دانسته شده و نفی می‌شود، اما گریزی از عمل هوشمندانه، بهنگام و فعالانه به آموزه «جهاد» نیست. البته جهاد در اینجا یک فعل تشکیکی است که دست بردن به سلاح و جنگ‌افزار، صرفاً یک جنبه از جنبه‌های آن است. بر این اساس، جهت و سمت‌وسوی جهاد، تجدیدنظر در ساختار قدرت بین‌المللی است که اولاً به معنای عدم تبعیت از سلطه مستکبران و پیگیری منافع مصالح خود بدون توجه به فشار آن‌هاست؛ ثانیاً - و مهم‌تر - مبارزه جمعی با نظامات ناعادلانه و سلطه‌گرانه‌ای است که به قدرت‌های بزرگ به منظور فشار بر دیگر کشورها در راستای تأمین منافع خود، مجال داده و حتی آنان را در برخی سطوح و لایه‌های قانونی و حقوقی، به این منظور، ذی‌حق قرار می‌دهد؛ بنابراین رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل، حول سه محور یکپارچه «صلح»، «عدالت» و «جهاد» تعریف می‌شود که در حکم پایه‌ها و ارکان سیاست «چندجانبه‌گرایی بین‌المللی» اند و جمهوری اسلامی ایران و دولت سیزدهم آن را جهت‌گیری سیاست خارجی خود معرفی و اعلام کرده است. ▶

### منابع

۱. افتخاری، اصغر، مکتب انتقادی در حوزه علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
۲. برزونی، محمدعلی، «اسلام اصالت جنگ یا اصالت صلح»، مجله حقوقی، شماره ۳۳، ۱۳۸۴.
۳. دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۹.
۴. سجادی، عبدالقیوم، «دبیل‌ماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، مجله علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز، ۱۳۸۱.
۵. سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و زین‌العابدین قربانی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۶. قرانی، عبدالوهاب، «چهارچوب و مبانی روابط دولت اسلامی یا نظام بین‌الملل»، در مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل (چهارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی)، به اهتمام حسین پوراحمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۷. محمدرضا، دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دادگستر، ۱۳۷۷.
۹. هانسون، اریک او، دین و سیاست در نظام بین‌الملل معاصر، ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۱۰. AI-Banna, Hasan, PEACE IN ISLAM, London: Prelude Ltd, ۱۹۹۷.
۱۱. AI-Sheha, Abdur-Rahman, Abdul-Kareem, ISLAM IS THE RELIGION OF PEACE, Translated and Adapted into English: Abu Salman Deya-ud-Deen Eberle, Rabwah: Islamic Propagation Office at Rabwah, ۲۰۰۵.